

مسئولیت دولت میانمار و جامعه بین‌المللی در خصوص نسل‌کشی اقلیت مسلمان روهینگیا از منظر حقوق بین‌الملل دکتر صابر نیاورانی؛ الهام آخوندان؛ پیرمحمد ملازهی^۳

چکیده

روهینگیایا ساکنان بومی سرزمین تاریخی آراکان (راخین) در میانمار هستند که با جنایت‌های سازمان یافته از سوی ارتش و دولت این کشور مواجه شده‌اند. بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل و موازین کیفری بین‌المللی و تطبیق آنها با واقعیت موجود در خصوص اقلیت مسلمان روهینگیا، نقض سیستماتیک حقوق بشر، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی در میانمار امری محرز است. در گزارش‌های سازمان ملل و دیده‌بان حقوق بشر نیز به این موضوع اشاره شده است. مصادیق متعدد نسل‌کشی روهینگیایا زمینه‌ساز مسئولیت بین‌المللی دولت میانمار است. همچنین مسئولیت جامعه بین‌المللی به «رعایت و تضمین رعایت» دول دیگر در خصوص تعهدات عام‌الشمول، قواعد آمره بین‌المللی و هنجارهای مربوط به حقوق بنیادین انسانی و حقوق بشری، قابل طرح می‌باشد. از منظر دکترین مسئولیت حمایت، حاکمیت یک دولت توأم با مسئولیت آن نیز هست و اگر دولتی از عهده مسئولیت حمایت از شهروندان خود بر نیاید، مسئولیت جامعه بین‌المللی در پشتیبانی از حقوق افراد مزبور مطرح می‌شود. همچنین مسئولیت سازمان ملل متحد به ویژه شورای امنیت و سایر سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان همکاری‌های اسلامی نیز شایان توجه است. بویژه اینکه انگیزه‌های سیاسی باعث بی‌توجهی یا سکوت قدرت‌ها و مجامع بین‌المللی به تحولات میانمار شده است که در مقاله حاضر بررسی و با رویکرد رسانه‌ای، راهکارهایی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: میانمار، نسل‌کشی، روهینگیا، حقوق بشر، مسئولیت بین‌المللی.

^۱. استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

Email: s-niavarani@srbiau.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

Email: akhoondan@yahoo.com

. دانش‌آموخته علوم اجتماعی، پژوهشگر ارشد شبه قاره و شرق آسیا، تهران، ایران.

Email: pmpaskoh@yahoo.com

مقدمه

اقلیت مسلمان روهینگیا بنا بر اعلام سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳، به عنوان ستم‌دیده‌ترین اقلیت‌ها در جهان نام گرفته‌اند (The correspondent, 2016/02/25). در سال‌های اخیر، شمار زیادی از مسلمانان روهینگیا^۱ به دلیل بروز اختلاف میان اقلیت مسلمان و بودائیان، به‌ویژه در ایالت تاریخی آراکان (راخین)^۲ کشته و یا آواره شده‌اند. در سال ۱۹۸۲ میلادی در میانمار قانون حقوق شهروندی به تصویب رسید. ۱۳۵ قومیت، از جمله بودائیان (۸۷ درصد جمعیت میانمار) به رسمیت شناخته شدند اما ۹ قومیت دیگر، از جمله اقلیت مسلمان روهینگیا، از حقوق شهروندی محروم ماندند. اختلاف و درگیری میان بودائیان و اقلیت مسلمان از سال ۲۰۱۲م، شدت گرفت و با تخریب و به آتش کشیدن روستاها و مساجد، قتل و سوزاندن دسته‌جمعی، تجاوز به زنان و دختران اقلیت روهینگایی، به اوج خود رسیده است. (Amnesty International, 20 December 2016).

بنا بر تعریف ماده ۲ کنوانسیون نسل‌کشی (ماده ۴ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، ماده ۲ اساسنامه دادگاه رواندا و ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری)، نسل‌کشی، عبارت است از؛ کشتار اعضای یک گروه، ایجاد آسیب جدی جسمی یا روانی به اعضای یک گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض شرایط نامساعد زندگی، به منظور نابودی فیزیکی کلی یا جزئی آن گروه، تحمیل تدابیری به قصد جلوگیری از زاد و ولد یک گروه، انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر (Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 1948: art.2).

بر اساس یافته‌های کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد که مبتنی بر اظهارات شاهدان عینی است، در تاریخ ۳ فوریه ۲۰۱۷م (۱۳۹۶ شمسی)، ۶۵ درصد کشتار و قتل، ۵۶ درصد کوچ اجباری از سوی مقامات امنیتی، ۶۴ درصد ضرب و شتم، ۴۳ درصد تجاوز

¹ The world's most persecuted people

² Rohingya

³ Rakhine

جنسی، ۳۱ درصد خشونت جنسی، ۶۴ درصد سوزاندن و تخریب اموال، ۴۰ درصد غارت و سرقت اموال علیه اقلیت روهینگی‌ها صورت گرفته است (OHCHR, 3 February 2017). دیده‌بان حقوق بشر نیز رسماً بارها اعلام کرده است که اعمال خشونت علیه مردم روهینگی‌ها، به عنوان نوعی «پاکسازی قومی» و «جنایت علیه بشریت» محسوب می‌شود (Human Rights Watch, 2013/04/22).

عناصر مادی و روانی در نسل‌کشی در میانمار، به وضوح آشکار است. بوداییان با همکاری نیروهای نظامی میانمار، با قتل، ایراد آسیب‌های شدید جسمی و روحی، جلوگیری از تولد و تناسل و قرار دادن مسلمانان میانمار در شرایط غیرانسانی، به نسل‌کشی مبادرت کرده‌اند. کشتار مسلمانان روهینگی‌ها در طول سال ۲۰۱۷ نیز با نیت از بین بردن آن‌ها و غصب سرزمین شان صورت گرفت. از این رو عنصر روانی جرم جنایت نسل‌زدایی نیز در موضوع کشتار مسلمانان میانمار قابل تحقق است.

در این مقاله ابتدا پس از اشاره به ریشه‌های تاریخی مسلمانان روهینگی‌ها، تعهدات دولت میانمار در خصوص اقلیت مسلمان روهینگی‌ها، مصادیق نسل‌کشی، نقض فاحش حقوق بشر، جنایت علیه بشریت علیه اقلیت روهینگی‌ها از منظر قواعد حقوق بین‌الملل، تبیین می‌گردد. در ادامه به مسئولیت دولت میانمار و جامعه بین‌الملل، پرداخته و علل بی‌تفاوتی به این نسل‌کشی بررسی می‌شود. در بخش پایانی نیز بررسی تکنیکال در قالب مسائل حقوقی مربوط به این موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و راهکارهای رسانه‌ای با رویکرد حقوقی ارائه می‌گردد.

بند اول) ریشه‌های تاریخی - سیاسی حضور مسلمانان روهینگی‌ها در میانمار

در ارتباط با حضور قومیت مسلمان روهینگی‌ها در ایالت آراکان سابق و راخین فعلی میانمار دو برداشت متفاوت وجود دارد: ۱- دیدگاهی تاریخی که در اسناد و نوشته‌های مورخان هندی یا چینی یا دولت‌های حاکم بر میانمار قابل ردیابی است و طبق آن روهینگی‌ها حداقل از قرن هشتم میلادی در آراکان ساکن بوده‌اند. قومیت روهینگی‌ها به این دیدگاه باور

دارد. ۲- دیدگاهی سیاسی که از طرف اکثریت قومی برمه‌ای و بودایی مذهب ترویج می‌شود و حضور قومیت روهینگیا را به دوران تسلط قدرت استعماری انگلیس بعد از سال ۱۹۳۸ می‌داند که ارتش انگلیس به میانمار حمله کرد و در سال ۱۹۴۲ آن را اشغال کرد و به هندوستان ملحق کرد (Warren, December 2011:108).

واقعیت آن است که دیدگاه سیاسی بر حقایق مسلم تاریخی چیره شده و اکثریت قومیت برمه‌ای و بودایی مذهب مدعی هستند روهینگیاها، مهاجرانی از بنگال هستند که همراه با قدرت استعماری انگلیس وارد ایالت آراکان شده‌اند. این دیدگاه که با منافع اکثریت قومی در میانمار که قدرت سیاسی را از سال ۱۹۴۸ و خروج انگلیس از شبه قاره هند و استقلال میانمار در انحصار خود درآورده‌اند، هماهنگی دارد. در این رویکرد، واقعیت‌های تاریخی به عمد نادیده گرفته شده و قومیت روهینگیا، بنگالی دانسته شده است. در این باره که اقوامی از بنگال بزرگ - که اکنون بخش مسلمان‌نشین آن کشور بنگلادش است و بخش هندونشین آن ایالت بنگال هند را تشکیل می‌دهد- به میانمار مهاجرت کرده‌اند تردیدی وجود ندارد. اما این تنها روهینگیا‌های مسلمان نبوده‌اند که بنا به ادعای دولت میانمار از بنگال به آراکان مهاجرت کرده‌اند. بلکه قومیت‌های متفاوت هندی در امپراتوری استعماری انگلیس که میانمار بخشی از آن بود، در داخل امپراتوری جابجا می‌شده‌اند.

گذشته از این، مهاجرت به میانمار اختصاص به روهینگیا‌های مسلمان ندارد. وجود ۱۴۴ قومیت در میانمار با ریشه‌های قومی متفاوت که از تایلند، چین و سایر نقاط در طول زمان وارد میانمار شده و یا از آن خارج شده‌اند و در کشورهای همسایه با میانمار امتداد قومی دارند موید چنین برداشتی است. بنابراین حتی اگر ادعای دولت میانمار بر مهاجر بودن روهینگیاها از بنگال مطرح باشد، سابقه حضور آنها در آراکان به دو قرن می‌رسد که این خود محل مناقشه است. در عین حال وجود روهینگیا‌های هندو مذهب را که هم اکنون در میانمار و به ویژه ایالت آراکان حضور دارند چگونه می‌توان توضیح داد؟ این در شرایطی است که منابع دولتی میانمار مدعی‌اند که اساساً اصطلاح روهینگیا در ۱۹۵۰ توسط

بنگالی‌های مهاجر به آراکان مطرح شده است و در گذشته در آراکان تاریخی مسلمانان حضور نداشته‌اند (Chan, 2005: 397).

برای درک واقعیت حضور تاریخی قومیت روهینگیا در میانمار می‌باید چگونگی حضور مسلمانان در این کشور توجه کرد که سابقه آن به قرون اولیه اسلامی برمی‌گردد. بازرگانان عرب و ایرانی دریاورد در کنار تجارت، دین اسلام را در شبه قاره هند و میانمار تا غرب چین گسترش دادند و اقوام زیادی در این منطقه مسلمان شدند. قوم روهینگیا که هندو مذهب بود یکی از این اقوام است که مسلمان شده است. اقلیتی از قومیت روهینگیا همچنان هندو مذهب باقی مانده است.

مورخین اولین مسلمانانی را که پا به سرزمین آراکان آن طرف رودخانه «ناف»، رودخانه حائل بین ایالت آراکان یا راخین کنونی میانمار، گذاشته‌اند، تجار عرب و یا ایرانی ثبت کرده‌اند. حتی در برخی از منابع در میان مسلمانان اولیه وارد شده به ایالت راخین از افغان‌ها هم یاد کرده‌اند. این بحث که روهینگیاها قومیتی هندی و بنگالی است، تقریباً جدید است و با اهداف سیاسی نژادگرایانه به وسیله مورخان متعصب بودائی عنوان شده و چنین ادعا شده است که روهینگیاها اصالت بنگالی- هندی دارند. البته پیوند تاریخی و سرزمینی ایالت آراکان تاریخی و محل سکونت اصلی روهینگیاها با بنگال قابل انکار نیست.

یک گروه کوچک مسلمان شافعی مذهب در میان قومیت روهینگیاها وجود دارد که تداوم قومی آنها در آن طرف رودخانه مرزی میانمار و بنگلادش است. این قومیت که به لحاظ مذهبی و قومی به نام‌های «بنگالی مسلم» و «سورطی مسلم» شهرت دارند، بیشتر یک فرقه مذهبی از مذاهب چهارگانه اهل سنت هستند و در جمع حنفی مذهب روهینگیاها و بخشی از این قومیت به حساب می‌آیند. این اقلیت احتمالاً در دوره تسلط انگلیس بر میانمار و آراکان مسلمان شده‌اند (پاک آیین، ۱۳۹۲). ولی مهاجر بودن از بنگال نمی‌تواند حضور تاریخی قومیت روهینگیا را در ایالت آراکان مخدوش سازد.

قومیت راخین که در حال حاضر بر ایالت آراکان تسلط دارد و حتی نام خود را بر این ایالت گذاشته است، قومیتی مهاجر از تایلند است. این در حالی است که مسلمانان در ایالت آراکان، حکومت خاص خود را در قالب سلطان‌نشین از زمان حکومت غوریان در ایالت بزرگ بنگال داشته‌اند و به نام خود سکه می‌زده‌اند. مساجد و بقایای عمارت‌های اسلامی و مدارس در ایالت آراکان وجود مسلمانان را ثابت می‌کند. در سال ۱۴۰۶ م. «تارامینگ هلا» فرمانروای آراکان به دربار سلطان نصیرالدین غوری، پادشاه بنگال گریخت و مدت ۲۲ سال در دربار او به سر برد و به کمک نیروهای سلطان بنگال مجدداً به قدرت رسید و عنوان سلیمان شاه را اختیار نموده و تجارت مسلمانان و ترویج دین اسلام را در قلمرو خود آزاد کرد. وی زبان فارسی را زبان رسمی سرزمین آراکان قرار داد. این زبان تا سال ۱۹۳۶ م. که انگلیس بر میانمار مسلط گردید، زبان رسمی این ایالت بود (پاک آیین، ۱۳۹۱: ۴۸).

شواهد تاریخی حکایت از آن دارد که روهینگیاها ساکنان اولیه آراکان بوده و قبل از نفوذ قومیت راخین در این ایالت ساکن بوده‌اند. بعد از تسلط انگلیس بر میانمار و ایالت راخین، روهینگیاها به تدریج قدرت و نفوذ خود را از دست داده و به صورت یک قومیت اقلیت درآمدند. سیاست استعماری انگلیس در میانمار، رویارو قرار دادن قومیت‌ها و مذاهب متفاوت در این کشور بود که تحت عنوان کلی تفرقه‌بینداز و حکومت‌کن شهرت یافته است. انگلیسی‌ها در میانمار، قومیت بودایی مذهب برمه‌ای را که اکثریت جمعیت را داشت در مقابل مسلمانان قرار دادند. آنها ساختار اداری کشور را به گونه‌ای طراحی کردند که اکثریت جمعیت احساس کند گروه‌های قومی کوچکتر مورد حمایت انگلیس هستند و به این ترتیب تضادهای قومی و مذهبی را نهادینه کردند. واگذاری پست‌های ارشد حکومتی به مسلمانان باعث نارضایتی و خشم اکثریت قومی برمه‌ای شد و در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم که شکست انگلیس در شبه قاره هند مسلم شده بود به یک شورش قومی - مذهبی دامن زد. در این شورش حدود یکصد هزار نفر از هندی تبارها

قتل عام و یا اخراج شدند که در میان آنها مسلمانان هم بودند. هر چند که قومیت روهینگی‌ها در این شورش در کنار اکثریت قومیت برمه‌ای قرار گرفت.

علت همکاری روهینگی‌ها با قومیت برمه‌ای این بود که شورش در واقع مذهبی نبود بلکه اقتصادی و در ارتباط با مزایا بود که هندی‌تبارها در ساختار اداری انگلیسی به دست آورده بوده‌اند. در پشت پرده هم انگلیس قرار داشت که می‌خواست قدرت استعماری خود را - که به علت اقدامات ارتش ژاپن و همکاران برمه‌ای‌اش تضعیف شده می‌دید- مجدداً احیا کند. چنانکه موقتاً بعد از خروج ارتش ژاپن از میانمار برای مدت کوتاهی قدرت انگلیس در میانمار بازسازی شد ولی به دلیل ناکامی در سرکوب قیام استقلال‌طلبان در هندوستان مجبور به عقب‌نشینی و پذیرش استقلال شبه قاره هند و از جمله میانمار شد. ولی در این بین ایالت آراکان در برمه علیا و برمه سفلی ادغام شد و کشور برمه یا میانمار شکل گرفت و روهینگی‌ها به صورت اقلیت آسیب‌پذیر درآمدند. بعد از کودتای نظامی ژنرال «وین»^۱ و تصویب قانون شهروندی در سال ۱۹۸۲ قومیت روهینگی‌ها از جمله ۹ قومیت از ۱۴۴ قومیت بود که خارجی و بنگالی شناخته و از امتیاز شهروندی میانمار محروم شد (مولودپوری، ۱۳۹۶). به این ترتیب روهینگی‌ها بدون ملیت شده‌اند. میانمار آنها را بنگلادشی می‌داند و بنگلادش هم آنها را میانماری می‌خواند. نتیجه این شده است که با حملات و خشونت‌های سازمان‌دهی شده از سوی ارتش و دولت میانمار، تا سال ۱۳۹۶ حدود ۹۰۰ هزار نفر از روهینگی‌ها از آراکان تاریخی اخراج و به صورت آواره در بنگلادش در بدترین شرایط قرار گرفته‌اند (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳ آذر ۱۳۹۶).

^۱ Win

بند دوم) تعهدات دولت میانمار در خصوص اقلیت مسلمان روهینگیا

الف- تعهدات دولت میانمار در خصوص رعایت حقوق بشر و تضمین آن

تعهدات حقوق بشری در کشورها بر هر دو منبع معاهده و قانون عرفی مبتنی است. میانمار عضو کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری آن درباره فروش کودکان، فحشاء کودک و پورنوگرافی کودکان، کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق افراد معلول و سایر معاهدات بین‌المللی حقوقی مهم است. از سوی دیگر، تعهدات تحت میثاقین و اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر نرم‌های بنیادین حقوق بشری، جزئی از قوانین عرفی بین‌المللی محسوب می‌شوند که حتی اگر کشوری عضو معاهدات مذکور نباشد، ملزم به رعایت تعهدات عرفی بین‌المللی آن است.

ب- مبانی حمایت از اقلیت مسلمان روهینگیا در حقوق بین‌الملل

بر اساس ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر که مفاد آن عرفی و لازم الاجرا هستند، همه افراد از حق داشتن تابعیت بهره‌مند هستند و احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیتش محروم ساخت. در مقدمه کنوانسیون لاهه مصوب ۱۹۳۰م نیز آمده است که «به نفع عموم جامعه بین‌المللی است که هر فرد دارای تابعیت باشد». در کنوانسیون حقوق کودک تصریح شده است که تابعیت کودکان بی‌درنگ پس از به دنیا آمدن آن‌ها ثبت شود و عنوان شده است که کودکان از بدو تولد، حق برخورداری از تابعیت را دارند. از منظر معاهده کاهش بی‌تابعیتی، مصوب ۱۹۶۱م، سلب تابعیت به عنوان یک مجازات از نظر بسیاری از کشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مذموم و محکوم است (Convention on the reduction of Statelessness, 1961). بر این، اگر فرض بر سلب تابعیت فرد یا افرادی از ساکنان یک کشور باشد، بی‌تابعیتی نباید مانع اعمال قواعد حقوق بشری درباره افراد مورد اشاره در ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۵۴م شود (Convention relating to the Status of Stateless Persons, 1954: art.8).

بنابراین، اقلیت روهینگیا حتی اگر از نگاه دولت میانمار تبعه این دولت محسوب نشوند، به عنوان انسان، از حقوق بنیادین انسانی و حقوق بشر برخوردارند زیرا مطابق اعلامیه

جهانی حقوق بشر و میثاقین بین‌المللی، دولت‌های عضو میثاق موظفند حقوق بشر را در خصوص کلیه افراد مقیم در سرزمین خود و افرادی که تحت صلاحیت آن‌ها هستند، بدون هر گونه تمایز و تبعیض، رعایت و تضمین نمایند.

ج - حمایت از اقلیت مسلمان روهینگیا در پرتو قوانین داخلی

قانون اساسی میانمار، مصوب سال ۲۰۰۸م، حمایت از «نژادهای ملی»^۱ را به رسمیت می‌شناسد و دولت با حمایت‌های لازم برای توسعه زبان، ادبیات و فرهنگ، ترویج همبستگی و احترام و توسعه اجتماعی و اقتصادی اقدام کند. در فصل هشتم قانون اساسی میانمار، حقوق برابر همه شهروندان، از جمله حق برابری و عدم تبعیض و حق آموزش و مراقبت‌های بهداشتی، در نظر گرفته شده و کار اجباری و بازداشت‌های خودسرانه ممنوع گردیده است (Constitution of the Republic of the Union of Myanmar, 2008: p149).

بند سوم) مصادیق نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر علیه اقلیت مسلمان روهینگیا

الف - نقض حق حیات، آزادی و امنیت

طبق ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر - که مفاد آن عرفی و لازم‌الاجرا هستند - هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد و بر اساس بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از حق زندگی محروم کرد. کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۱۰ تصریح می‌کند که دولت‌ها وظیفه مهمی در جلوگیری از جنگ، نسل‌کشی و سایر اقدامات خشونت‌بار ناقض حق حیات بر عهده دارند (Human Rights committee, 1982: paras 1-2). همچنین قتل عمد در شق (الف) بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری گنجانده شده است. قتل عمد

¹national races

مترادف کشتار در ژنوسید^۱ معادل کشتار عمدی در درگیری مسلحانه بین‌المللی در جنایات جنگی و مترادف قتل عمد در درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی است (کریانگ، ۱۳۷۸: ۱۳۷).

گزارشگران ویژه سازمان ملل پیوسته گزارش‌هایی را درباره نقض حقوق بشر، نقض حق زندگی و آزادی و امنیت روهینگیا از سوی نیروهای امنیتی و سایر مقامات کشور میانمار گزارش کرده‌اند. این اقدامات شامل اعدام‌های غیرقانونی، ناپدید شدن اجباری، دستگیری و بازداشت خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری، کار اجباری و اخراج صدها هزار تن روهینگایی به بنگلادش است که نقض مواد ۳، ۴، ۵ و ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

ب- سلب تابعیت

در سال ۱۹۸۲م دولت میانمار حق تابعیت را از قوم روهینگیا سلب کرد. در سال ۲۰۱۷ م بیش از نهمصد هزار نفر آواره روهینگیا وارد بنگلادش شدند. کاندیداهای مسلمان صلاحیت نامزدی در انتخابات را از دست دادند و در نتیجه مجلس میانمار هیچ عضو مسلمانی ندارد. قانون شهروندی ۱۹۸۲م میانمار تبعیض‌آمیز است و حق کودکان در کسب تابعیت را نقض می‌کند (Convention on the Rights of the Child, 1989: art. 7).

ج- تبلیغ نفرت پراکنی و نابردباری مذهبی

قانون اساسی میانمار سوءاستفاده از مذهب را برای اهداف سیاسی و یا برای ترویج نفرت و خصومت و یا دامن زدن به اختلاف میان جوامع نژادی و مذهبی، ممنوع کرده است (Constitution of the Republic of the Union of Myanmar, 2008: p149). مطابق با قوانین بین‌المللی نیز دولت میانمار، ملزم است که حق آزادی مذهب و اصل عدم تبعیض را برای افراد حاضر در قلمرو سرزمینی خود تضمین کند (Universal Declaration of Human Rights, 1948: arts. 2, 7 and 18). با این وجود، از دهه

¹ Genocide

۱۹۹۰م، سازمان‌های افراطی بودایی، پی در پی، نفرت مذهبی و نابردباری علیه مسلمانان و سایر اقلیت‌های مذهبی را تبلیغ کرده‌اند. گروه‌های افراطی از جمله «سازمان حفاظت از نژاد و مذهب» معروف به MaBaTha^۱ پیام‌هایی را بر اساس ترس و نفرت منتشر می‌کنند. مسلمانان را با حیوانات مقایسه و آن‌ها را بنگلادشی و مهاجر خطاب و از زبان مخرب علیه آن‌ها استفاده می‌کنند و مسلمانان را برای «دولت بودایی»^۲ تهدید می‌خوانند (C4ADS, 5 February 2016). به عنوان نمونه، در جریان یک تظاهرات عمومی در یانگون^۳، در ماه مه سال ۲۰۱۵م، یکی از سیاستمداران، جمعیت حاضر را به «کشتن و دفن کردن» مسلمانان روهینگیا تشویق کرد. سازمان‌های بنیادین ملی بودایی^۴، بودائیان میانه‌رو، فعالان مذهبی، فعالان حقوق زنان و گزارشگر ویژه حقوق بشر در میانمار را هدف انتقاد قرار داده‌اند. این‌گونه موضع‌گیری‌ها باعث تحریک به نفرت و سبب دامن زدن به اختلاف می‌شود (OHCHR, 21 January 2015: p7).

د- نقض حق آزادی تردد

اقلیت روهینگیا با محدودیت‌های شدید در آزادی عبور و مرور مواجه هستند. آن‌ها در ایالت آراکان (راخین)، برای تردد در داخل شهرها و روستاها نیازمند اخذ مجوز رسمی هستند. پروسه اخذ مجوز عبور و مرور، دشوار و وقت‌گیر است و نداشتن آن موجب پیگرد قانونی و دستگیری می‌شود. این محدودیت‌ها منجر به آزار و اذیت مردم روهینگیا از سوی مقامات دولتی و باج‌گیری آن‌ها می‌شود. اعمال محدودیت‌های مذکور از آغاز خشونت‌های سال ۲۰۱۲م و در پی اعطای اختیارات گسترده به مقامات دولتی در اعمال محدودیت‌های رفت‌وآمد برای روهینگیاها، در محدوده زمانی غروب تا سپیده‌دم، شروع

^۱ Organization for the Protection of Race and Religion (known as MaBaTha)

^۲ Buddhist State

^۳ Yangon

^۴ Ultra-nationalist Buddhist organizations

شد. تمامی این اقدام‌ها بر خلاف ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸م) و ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶م) است. بر اساس شواهد و گزارش‌های منتشره شرایط بند (۱) ماده ۱۴۴ پروتکل کیفری میانمار (که ناظر بر اعطای اجازه اقامت موقت، از سوی ماموران دولتی است) رعایت نشده است. مقررات منع رفت‌وآمد اختیارات گسترده‌ای را به مقامات می‌دهد و موجب محدودیت مسلمانان در انجام آزادانه مناسک عبادی و مذهبی‌شان نیز شده است. در میانمار محدود شدن تعداد افراد مجاز به شرکت در مناسک عبادی گروهی به پنج نفر، تنها در خصوص اقلیت روهینگیا اجرا می‌شود. علیرغم آن که رئیس جمهوری میانمار در ماه مارس ۲۰۱۶ م، وضعیت اضطراری در استان شمالی ایالت راخین را لغو کرد اما محدودیت‌های رفت‌وآمد، برای اقلیت روهینگیا، همچنان وجود دارد (A/HRC/32/18, 28 June 2016: p8).

ه- نقض حق مالکیت

اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸م) در ماده ۱۷ و همچنین ماده ۱ و هر دو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶م) و میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶م) بر حق مالکیت افراد تأکید دارند. تخریب منازل و مصادره اموال با هدف به دست آوردن اراضی مورد نیاز برای شرکت‌های سرمایه‌گذار غربی از موارد بارز نقض مالکیت مسلمانان روهینگیا است. در میانمار، ارتش از دهه ۱۹۹۰م، تاکنون اراضی وسیعی را که به مسلمانان روهینگیا تعلق دارد، از کشاورزان و مالکان، به زور و بدون پرداخت خسارت و ارائه مابه‌ازا، تصاحب کرده است.

ی- نقض حق تحصیل

به علت تبعیض، جابجایی طولانی مدت و محدودیت در رفت و آمد، جوامع مسلمان در خصوص استفاده از حق آموزش و تحصیل با موانع زیادی مواجه هستند. . (CRC/C/MMR/CO/3-4: paras. 96° 97, and A/HRC/28/72, 2015: para. .

۵. غیر شهروندان، از جمله اقلیت روهینگیای، از تحصیل در برخی از رشته‌ها مانند پزشکی، اقتصاد و مهندسی محروم هستند. به عنوان مثال، در میانمار در راهنمای پذیرش دانشگاه (مربوط به سال ۲۰۱۳م) به صراحت آمده بود که متقاضیان تحصیل در این رشته‌ها تنها از میان «شهروندان میانمار» انتخاب خواهند شد که مشمول روهینگیایی‌ها نمی‌شد. روهینگیایی‌ها از آغاز خشونت‌ها در سال ۲۰۱۲م نیز از تحصیلات عالی در دانشگاه «راخین»^۱ و «سیتو»^۲ و تحصیل در رشته‌های مربوط به «مسائل امنیتی» محروم شده‌اند. همچنین تقریباً سی هزار کودک مسلمان در اردوگاه‌های آوارگان داخلی، در فضاهای آموزشی موقت وابسته به سازمان‌های فعال در امور بشردوستانه، تحصیل می‌کنند. با توجه به فقدان معلمان واجد شرایط و کتاب‌های درسی، کیفیت آموزش و پرورش کودکان مذکور نگران‌کننده است (A/HRC/32/18, 28 June 2016: p11). این موضوع نقض جدی کنوانسیون‌های حقوق کودک، میثاقین، اعلامیه جهانی حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی یا زبانی مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ می‌باشد.

بند چهارم) ارتکاب جنایت علیه بشریت در خصوص اقلیت مسلمانان روهینگیای

طبق ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی منظور از جنایات علیه بشریت اعمالی هستند که در یک حمله «گسترده» یا «سازمان یافته» ضد یک «جمعیت غیر نظامی» و با «علم به آن حمله» ارتکاب یابند و عبارتند از: ۱. قتل. ۲. قلع و قمع کردن. ۳. به بردگی گرفتن. ۴. کوچاندن یا جابجایی اجباری جمعیت. ۵. حبس کردن یا ایجاد هر شکل دیگر محرومیت شدید از حق آزادی جسمی که برخلاف قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل باشد. (rome statute of the international criminal court, 1998: art.7)

¹ Rakhine

² Sittwe

الف- نابودسازی^۱

در شق (ب) بند دوم ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، نابودسازی، شامل تحمیل عمدی شرایطی مانند محرومیت از دسترسی به غذا و دارو بر حیات افراد می‌خواند که موجب انهدام بخشی از یک جمعیت شود. ایجاد محدودیت‌های شدید برای اقلیت روئینگی در دسترسی به بهداشت و غذا و همچنین کشتار و اعمال خشونت‌های بی‌رحمانه علیه آن‌ها، از وقوع جرم «نابودسازی» درباره این قوم حکایت دارد.

ب- خشونت جنسی علیه زنان

ماده ۶ کنوانسیون ناظر بر حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹م) «دولت‌های متعاقد را به اتخاذ کلیه اقدامات مناسب از جمله وضع مقررات قانونی برای جلوگیری از قاچاق زنان و سوء استفاده جنسی از زنان به هر شکل آن» ملزم نموده است (Convention sur l'Elimination de toutes les forms de discrimination a l'egard des femmes.s, 1979). شورای امنیت نیز به عنوان یکی از ارکان سازمان ملل متحد، قطعنامه‌های ۷۹۸ (مورخ ۱۹۹۲م) و ۱۳۲۵ (مورخ ۲۰۰۰م) را به تصویب رسانده که در آن خشونت جنسی، اقدامی حیوانی و «جنایت جنگی» خوانده شده است (آقایی، ۱۳۷۶). شورای امنیت تاکید کرده است که کلیه کشورها در تعقیب و رسیدگی به اقداماتی که شامل تعریف نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، از جمله جنایاتی در ارتباط با خشونت جنسی علیه زنان و دختران، مسئول هستند (Resolution 1325, 2000: Para11).

ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فحش‌های اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری و هر نوع خشونت جنسی دیگر در این زمینه را جنایت علیه بشریت توصیف کرده و رسیدگی به آن‌ها را در صلاحیت این دیوان

¹ Extermination

قرار داده است، به‌ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست یا به صورتی گسترده واقع شده باشند (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

در رویه قضائی بین‌المللی، تجاوز به زنان گونه‌ای از شکنجه است و عاملان آن به عنوان مرتکبان جنایت علیه بشریت و ژنوسید، به مجازات‌های بسیار شدید محکوم شده‌اند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی اعلام کرده است: نیروهای ارتش و پلیس میانمار، در اواخر سال ۲۰۱۶م، تجاوز و آزار جنسی زنان و دختران مسلمان روهینگی‌ها را به راه انداختند. در جریان عملیات نظامی نیروهای میانمار علیه مسلمانان روهینگی‌ها، نیروهای امنیتی حداقل در ۹۹ روستا به تجاوز و دیگر انواع جنایت‌های جنسی علیه زنان مسلمان روهینگی‌ها اقدام کردند (Human Right Watch, 2017/09/27). «پریانکا موتاپارثی»، محقق امور اضطراری سازمان دیده‌بان حقوق بشر، در گزارشی نوشته است: «حملات وحشتناک به زنان و دختران روهینگی‌ها از سوی نیروهای امنیتی میانمار، فصل ظالمانه جدیدی را در خشونت‌های جنسی علیه زنان مسلمانان در میانمار می‌گشاید» (Human Right Watch, 2017/02/06).

بر اساس گزارش ۴۳ صفحه‌ای کمیته حقوق بشر سازمان ملل، بیشتر مرتکبین تجاوز جنسی، افراد نظامی بوده‌اند. عاملان دیگر این تجاوزها، نیروهای پلیس و روحانیون بودایی بوده‌اند. اکثریت قربانیان تجاوزها که تیم سازمان ملل متحد با آن‌ها مصاحبه کرده است، اظهار داشتند که از سوی بیش از یک سرباز و یا افسر (معمولاً سه تا چهار و گاه تا هشت نفر) مورد تجاوز قرار گرفتند (OHCHR, 3 February 2017: p20-21).

ج - اخراج و انتقال اجباری جمعیت و نقض حق بازگشت

اسناد موجود بیانگر آن است که دولت میانمار به طور سازمان‌یافته صدها هزار نفر از اقلیت روهینگی‌ها را اخراج کرد. در شق (د) بند دوم ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی

¹ Prianka Motaparthi

کیفری، اخراج یا جابجایی اجباری اشخاص یا سایر اقدامات اجباری از منطقه‌ای که این افراد در آن به طور قانونی حضور دارند، بدون دلایل موجه منطبق بر حقوق بین‌الملل، اخراج یا انتقال اجباری است. کشتار و خشونت‌ها در میانمار موجب فرار دسته‌جمعی اقلیت مسلمان روهینگایی به ویژه بنگلادش گردیده است. (unodc, February 2016, pp. 37-41)

حق بازگشت این افراد از غیرقانونی بودن اخراج آن‌ها ناشی می‌شود، و افراد اخراج شده، بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل از حق بازگشت به وطن خویش برخوردارند.

بند پنجم) مسئولیت دولت میانمار و جامعه بین‌المللی در خصوص نسل‌کشی مسلمانان روهینگیا

الف- مسئولیت بین‌المللی و کیفری دولت میانمار در خصوص نسل‌کشی مسلمانان روهینگیا

به موجب ماده ۱ و ۲ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، تخلفات دولت‌ها از تعهدات بین‌المللی‌شان، مسئولیت بین‌المللی آن‌ها را در پی خواهد داشت. می‌توان گفت نقض آن دسته از قواعد آمره بین‌المللی که موجبات مسئولیت کیفری فردی را برای فاعل آن فراهم می‌آورد، جنایت بین‌المللی تلقی می‌شود و زمینه‌ساز مسئولیت دولت نیز خواهد بود. بر اساس قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل کیفری، دولتی که مرتکب نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر، نسل‌کشی و جنایات بین‌المللی می‌شود، مسئولیت دارد و باید به توقف عمل متخلفانه خود و جبران آن بپردازد (عزیزی و حاجی، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

«بر اساس حقوق بین‌الملل کیفری، نسل‌کشی می‌تواند هم از طریق فعل و هم از طریق ترک فعل صورت پذیرد» (کریانگ، ۱۳۸۳: ۱۳۷). در خصوص مسئولیت کیفری دولت میانمار، حمایت نکردن دولت از شهروندان خود و حتی همراهی با ارتش و بودائیان افراطی در انجام این جنایت، مصداق بارز «ترک فعل» است.

ب- پیامدهای حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت میانمار در برابر نقض سیستماتیک حقوق بشر، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت

در صورتیکه که عوامل سیاسی در تصمیمات سازمان ملل و اجرای منشور تاثیرگذار نباشد، پیامدهای حقوقی ذیل برای مسئولیت بین‌المللی دولت میانمار قابل پیش بینی می‌باشد.

۱) لغو عضویت میانمار در سازمان ملل متحد

بر اساس منشور سازمان ملل متحد، هر دولتی که به تعهدات خود، به عنوان عضو سازمان ملل متحد، پایبند نباشد و قطعنامه‌های آن را اجرا نکند، ابتدا حق رای آن در سازمان ملل به حالت تعلیق در می‌آید و اگر به نقض تعهدات خود ادامه دهد در نهایت از این سازمان اخراج می‌شود.

۲) اعمال فشار دیپلماتیک و تحریم‌های اقتصادی

یکی از اقدامات قانونی که منشور سازمان ملل متحد (بر اساس ماده ۳۹ و ۴۱) درباره کشورهای تهدیدکننده امنیت و صلح بین‌المللی وضع کرده است، قطع روابط سیاسی، تحریم اقتصادی و انجام اقدام‌های نظامی است.

۳) دادخواهی در دادگاه‌های ملی دولت‌های ثالث (اصل صلاحیت جهانی)

نظام‌های قضائی ملی باید به عنوان اولین مرجع برای محاکمه و مجازات افراد مسئول در ارتکاب جنایات بین‌المللی، اقدام کنند و در صورت عدم تمایل، هر دولت دیگر درباره جرائمی که صدمه به جامعه بین‌المللی یا ارزش‌های مورد حمایت بین‌المللی محسوب می‌گردند، صلاحیت رسیدگی و تعقیب قضائی دارد که از آن با عنوان «صلاحیت جهانی» یاد می‌شود زیرا وقوع جنایات بین‌المللی، منافع کل جامعه بین‌الملل را تحت تاثیر قرار می‌دهد (زمانی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

۴) تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه

تشکیل دادگاه‌های کیفری ویژه برای تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی از جمله اقدامات مهم شورای امنیت در دهه ۱۹۹۰م در مقابله با نقض شدید حقوق بشر و

حقوق بشردوستانه است. دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی، رواندا، کامبوج، تیمور شرقی و سیرالئون از جمله مواردی هستند که توسط شورای امنیت به منظور مقابله با بی‌کیفری جرایم بین‌المللی و تحقق عدالت بین‌المللی ایجاد شدند. مجمع عمومی سازمان ملل نیز می‌تواند بر اساس حقی که ماده ۲۲ منشور ملل متحد به مجمع می‌دهد، برای رسیدگی به جرایم ارتكابی در میانمار، دادگاهی اختصاصی با گرایش کیفری و بین‌المللی تاسیس نماید. امروزه مواردی مانند دادگاه‌های سیرالئون، کامبوج، دادگاه بین‌المللی لبنان، شعب کیفری تی‌مور شرقی و چندین شعبه دیگر در خصوص کوزوو، برای برقراری عدالت منطقه‌ای و بین‌المللی تلاش می‌کنند.

در همین راستا «دادگاه بین‌المللی دائمی مردم»^۱ که در سال ۱۹۷۹م با ۶۶ عضو بین‌المللی در ایتالیا تاسیس شد، دولت میانمار را به قتل عام مسلمانان روهینگیا متهم کرده است. «دانیل فیراشترین»، رئیس محکمه هفت عضوی بین‌المللی دائمی، در حکمی اعلام کرد که دولت میانمار در قتل عام مسلمانان روهینگیا، گناهکار است (Anadolu Agency, 22/09/2017). اگرچه احکام این دادگاه الزام‌آور نیست اما به عنوان نمونه‌ای از دادگاه‌های بین‌المللی می‌باشد که استنادات در خصوص نسل‌کشی را جمع‌آوری کرده است.

۵) رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی

میانمار از جمله کشورهایی است که به عضویت دیوان بین‌المللی کیفری در نیامده است، دیوان کیفری بین‌المللی، در سه حالت درباره اتباع دولت‌های غیرعضو صلاحیت دارد: ۱. ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت ۲. ارتكاب جنایت از سوی اتباع این دولت‌ها در قلمرو یک دولت عضو ۳. اعلام رضایت دولت غیرعضو برای اعمال صلاحیت دیوان فوق بر اتباعش. در دو حالت نخست، رضایت دولت ثالث، پیش شرط اعمال صلاحیت دیوان نیست. مطابق بند ب ماده ۱۳ اساسنامه رم، مانند موضوع دارفور سودان، امکان ارجاع

¹ The Permanent Peoples' Tribunal

وضعیت میانمار از سوی شورای امنیت به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۹). بسیاری از کارشناسان، دلیل اصلی ارجاع نشدن وضعیت میانمار به دیوان کیفری بین‌المللی را تقدم اغراض سیاسی بر قواعد حقوقی در تصمیم‌گیری‌های شورای امنیت می‌دانند.

ج) مسئولیت سایر کشورها و جامعه بین‌المللی در برابر نسل‌کشی در میانمار مطابق قواعد حقوق بین‌الملل، نقض برخی از اصول و تعهدات بین‌المللی، مسئولیت سایر کشورها را برای پایان بخشیدن به آن به وجود می‌آورد. همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «بارسلونا تراکشن»^۱ اعلام داشته است: «تعهدات عام‌الشمول، قواعد آمره و هنجارهای مربوط به حقوق بنیادین انسانی و حقوق بشری با این خصوصیت، فی‌نفسه متوجه همه دولت‌ها است و با توجه به اهمیت حقوقی آن‌ها، کلیه دولت‌ها می‌توانند خود را دارای منفعت حقوقی در حمایت از این تعهدات بدانند» (Barcelona traction, 1970: p.32, para.33). جنایت بین‌المللی مربوط به کل جامعه بین‌الملل و به معنای نقض تعهد در مقابل کلیه دولت‌ها است. دیوان بین‌المللی دادگستری (نظریه مورخ ۲۸ می ۱۹۵۱م) در خصوص قضیه ژنوسید، بیان می‌کند: تعهدات الزامی که هر کشور به موجب این کنوانسیون، در جلوگیری از ژنوسید و مجازات مرتکبان آن، دارد، محدود به سرزمین و قلمرو خاص آن کشور نیست؛ هرچند که کنوانسیون، صلاحیت رسیدگی به آن را به دادگاه‌های محلی ارتکاب این اعمال محدود می‌کند (وکیل، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

لذا جامعه بین‌المللی، در برابر وقوع جنایات بین‌المللی، مسئول رعایت و تضمین رعایت دول دیگر نیز هست. از منظر دکترین «مسئولیت حمایت» حاکمیت یک دولت توأم با مسئولیت است. بنابراین، حاکمیت، به عنوان شکلی از حکومت بین‌المللی، بدون وجود یک دولت بین‌المللی، نمود پیدا می‌کند. بدین ترتیب که مسئولیت اولیه بر دوش دولت‌ها

^۱ Barcelona traction

است و تنها اگر دولت مزبور نتواند یا نخواهد این مسئولیت را ایفا کند یا خود ناقض حقوق بشر بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه باشد، مسئولیت دیگران مطرح می‌شود.

با وجود این علیرغم احراز نقض فاحش حقوق بشر، نسل‌کشی و جنایت جنگی در میانمار، کشورها به مسئولیت خود در این خصوص عمل نکرده‌اند، این موضوع دلایل سیاسی متعددی دارد که در سطور آتی به آن اشاره خواهد شد.

د) علت بی‌تفاوتی دولت میانمار و مجامع جهانی در خصوص نسل‌کشی میانمار
در پی کشتارهای مسلمانان روهینگیا از سال ۲۰۱۶ در میانمار و اخراج دسته‌جمعی آنها به کشور بنگلادش این پرسش مهم و حیاتی مطرح شده است که چرا و چگونه است که در قرن ۲۱ و با وجود این همه سازمان‌ها و نهادهای مدعی حقوق بشر و دولت‌های قدرتمند و مجامع جهانی در مقابل تجاوز، کشتار و اخراج مسلمانان روهینگیا تا بدین حد بی‌تفاوت نظاره‌گر نسل‌کشی یک قوم مسلمان شده‌اند؟ دلیل اصلی سکوت مجامع جهانی و کشورهای بزرگ و رسانه‌های آنها منفعی است که در پشت سر کشتار و اخراج روهینگیاها نهفته است. علت‌های متفاوتی سکوت مجامع جهانی را می‌تواند توضیح دهد ولی در این بین به نظر می‌رسد که سه دلیل اصلی‌تر وجود داشته باشد:

۱- منافع شرکت‌های چندملیتی سرمایه‌گذار در میانمار ۲- رقابت‌های چین و آمریکا بر سر تسلط و نفوذ بر میانمار ۳- وجود فضای جهانی اسلام‌هراسی در جهان امروز.
در ارتباط با منافع شرکت‌های سرمایه‌گذاری چندملیتی می‌باید این واقعیت توجه داشت که در کشور میانمار به لحاظ طبیعی در یکی از مستعدترین مناطق در حد فاصل هندوستان و چین در جنوب شرق آسیا قرار گرفته است. منابع نفت و گاز در میانمار کشف شده‌اند. دارای زمین‌های بسیار مساعد برای کشت انواع محصولات زراعی است. ایالت آراکان که محل سکونت تاریخی مسلمانان روهینگیا است به لحاظ زمین‌های مرغوب کشاورزی

شهرت دارد و یکی از اهداف انگلیس برای تصرف میانمار در دوره قدرت استعماری‌اش بر شبه قاره هند وجود همین زمین‌های مستعد کشاورزی بود. به خصوص بعد از آنکه کانال سوئز حفر شد و اقیانوس هند از طریق دریای سرخ به دریای مدیترانه راه پیدا کرد. تجار انگلیس به رونق دادن کشت برنج در میانمار همت گماشتند و هزاران کشاورز برنجکار از داخل هندوستان برای کار در مزارع برنج به میانمار کوچانده شدند. بعد از آنکه جناح سیاسی غرب‌گرا به رهبری «آنگ سان سوچی» برنده جایزه صلح نوبل به قدرت رسید، شرکت‌های چندملیتی سرمایه‌گذار به میانمار هجوم آوردند و در بخش کشاورزی فعال شدند. این شرکت‌ها نیاز به یکپارچه‌سازی زمین‌ها داشتند لذا خرده‌مالکان تحت فشار قرار گرفتند. ارتش هر کجا که شرکت‌های چندملیتی احتیاج به زمین یکپارچه پیدا می‌کردند، بومیان را اخراج و زمین‌های آنها را تصرف کرده است و با فروش آنها به شرکت‌ها و یا شریک شدن در صنایع در منافع صاحب نفع شده است.

یک واقعیت مهم دیگر در خصوص سکوت مجامع و دولت‌ها، تضاد منافع چین و آمریکا به عنوان دو قدرتی است که در میانمار وارد رقابت‌های فشرده شده‌اند. چین با حمایت از ژنرال‌های ارتش و آمریکا با رویکردی سیاسی بر سر قدرت وارد چالش شده‌اند. آمریکا حمایت از حزب اتحاد برای دموکراسی آنگ سان سوچی در صدد است نفوذ چین را کاهش دهد و نفوذ خود را جایگزین کند و چین همچنان با حمایت از ژنرال‌های ارتش منافع خاص خودش است. به این ترتیب است که هر دو قدرت بزرگ جنایات علیه مسلمانان روهینگیا را نادیده می‌گیرند و تحت‌تاثیر همین قدرت‌های بزرگ مجامع جهانی نظیر شورای امنیت عملاً اقدام جدی انجام نداده‌اند.

¹ Aung San Suu Kyi

دولت میانمار هم از این شرایط سوءاستفاده کرده و ارتش میانمار از تندروهای ضد مسلمان بودایی حمایت می‌کند. این به رغم آن است که سوچی، خود را مبارز ضد دیکتاتوری نظامی می‌داند ولی حقیقت این است که وی نیازمند رای اکثریت بودایی هست و در محاسباتش اقلیت مسلمانان روهینگایی جایی ندارد. در چنین فضایی است که آمریکا و چین به دولت میانمار چشم دوخته‌اند و هرکدام تلاش دارند که کنترل سیاسی و اقتصادی خود را در میانمار تحمیل نمایند. سکوت در مقابل کشتار و اخراج مسلمانان بی‌ارتباط با این گونه واقعیت‌ها نیست.

موضوع مهم دیگر که سکوت مجامع جهانی، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با حقوق بشر را در قبال کشتار و اخراج مسلمانان روهینگایی تبیین می‌کند، اسلام‌هراسی است که در جهان امروز از طرف رسانه‌های تحت سلطه استکبار و صهیونیسم بین‌الملل به آن دامن زده می‌شود. دولت میانمار چه نظامی و چه غیر نظامی در این اسلام‌هراسی همسو با غربی‌هاست و در چارچوب یک سیاست جهانی هدفمند آن را پیگیری می‌کند. دولت میانمار از فرصت به‌وجود آمده در سایه رفتارهای غیرانسانی گروه‌های رادیکال نظیر داعش و القاعده و فضای عمومی ضداسلامی که در جهان غرب دامن زده شده است، سوءاستفاده کرده و نسل‌کشی روهینگاییها و اخراج آنها را در قالب رادیکالیسم اسلامی توجیه می‌کند. وجود گروه‌های مسلح وابسته به القاعده نظیر سازمان ملی روهینگایی که خود را وابسته به القاعده اعلام کرده است و یا نیروهای دولتی میانمار وارد جنگ مسلحانه شده اسلام‌هراسی را در میانمار تشدید کرده و به نوبه خود باعث شده است که نسل‌کشی مسلمانان روهینگایی سکوت و بی‌تفاوتی در محافل جهانی را به وجود آورد.

ه) مسئولیت سازمان ملل متحد در مبارزه با نسل‌کشی در میانمار

به موجب کنوانسیون نسل‌کشی، دولت‌های عضو می‌توانند از ارکان صلاحیت‌دار سازمان بخواهند، طبق منشور، اقدامات مقتضی برای پیشگیری و مجازات نسل‌کشی را به عمل آورد. همچنین از بین اهداف مقرر در منشور، دو هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ترویج حقوق بشر، با پیشگیری از نسل‌کشی، ارتباط مستقیم دارند (جاویدزاده، ۱۳۹۰، ص ۳).

۱) مسئولیت شورای امنیت سازمان ملل متحد

ماده ۲۴ منشور ملل متحد، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی را بر عهده شورای امنیت نهاده است. دیوان بین‌المللی کیفری به موجب بند ب ماده ۱۳ و در موارد ارجاع شورای امنیت، از نوعی صلاحیت جهانی برخوردار است. با این حال، ارجاع شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری تنها در صورت احراز شرایطی میسر است. اولاً شورا باید موارد تهدید و نقض صلح و یا عمل تجاوزکارانه را احراز نماید. ثانیاً هدف از ارجاع موضوع از سوی شورای امنیت می‌بایست حفظ صلح و یا اعاده صلح و یا اعاده امنیت بین‌المللی باشد. ثالثاً به موجب مواد ۳۹ و ۴۱ منشور، شورای امنیت می‌تواند صرفاً وضعیتی را که فصل هفتم منشور به آن پرداخته است، به دیوان ارجاع دهد.

فعالیت یافتن مکانیسم ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را می‌توان اقدام بی‌سابقه شورای امنیت در ارجاع موضوع دارفور سودان به دیوان بین‌المللی کیفری دانست (Resolution 1564, 2004). متعاقب درخواست شورای امنیت، رسیدگی به وضعیت دارفور، به موجب قطعنامه ۱۵۹۳، به عنوان اولین مورد اجرای ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع شد (Resolution 1593, 31 March 2005). مصداق دیگر، ارجاع موضوع لیبی به دیوان بین‌المللی کیفری است. شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۹۷۰ و ارجاع موضوع لیبی به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری،

درخواست پیگیری قضیه لیبی و جرایم ارتكابی پس از پانزدهم فوریه ۲۰۱۱ م، از سوی مقامات لیبی را مطرح کرد (Resolution 1970, 26 February 2011).
با توجه به جرم‌های بین‌المللی احراز شده در حوادث میانمار، می‌توان گفت در مقایسه با قضیه لیبی، موضوع کشتار مسلمانان روهینگیا در میانمار از ابعاد بیشتری برای ارجاع آن به دیوان بین‌المللی کیفری برخوردار است.

۲) مسئولیت مجمع عمومی سازمان ملل متحد

بر اساس ماده ۱۰ منشور ملل متحد، مجمع عمومی سازمان ملل، برای پیشبرد هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله پیشگیری از نسل‌کشی می‌تواند هر مسئله یا امری را که در حدود منشور یا مربوط به اختیارات و وظایف هر یک از ارکان مقرر در منشور باشد، مورد بحث قرار دهد و جز در مورد مذکور در ماده ۱۲ منشور، به اعضای سازمان ملل متحد یا شورای امنیت آن، توصیه‌هایی ارائه کند.
همچنین مجمع عمومی، می‌تواند مانند قضیه دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، در قضیه میانمار نیز از دیوان بین‌المللی دادگستری، نظر مشورتی بخواهد. اگرچه این نظر مشورتی لازم الاجرا نیست اما از بُعد اثر، تأثیر قواعد عرفی را دارد. ضمن اینکه در صورت تداوم ناکارآمدی شورای امنیت در قضیه میانمار، مجمع عمومی می‌تواند در چارچوب قطعنامه اتحاد برای صلح، برای پایان دادن به کشتار مسلمانان روهینگیا اقدام کند.

و) مسئولیت سازمان همکاری‌های اسلامی و سایر سازمان‌های بین‌المللی

در سطح بین‌المللی، پس از سازمان ملل متحد، زیرمجموعه‌های آن، از جمله شورای حقوق بشر و کمیساریای امور پناهندگان، در سطح منطقه‌ای، سازمان همکاری اسلامی،

اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا، آ.سه.آن (میانمار نیز عضو آن است) سازمان‌هایی هستند که می‌توانند در برابر نقض حقوق بشر در میانمار عمل کنند. سازمان همکاری‌های اسلامی (تأسیس سال ۱۹۶۹م) در این رابطه مسئولیت خطیری دارد. یکی از طرق پیگیری حقوقی بحران میانمار، استناد به مفاد منشور همکاری در شهر داکار سنگال (۱۴ مارس ۲۰۰۸م) است. در مقدمه منشور سازمان همکاری‌های اسلامی، کمک به اقلیت‌ها و جوامع مسلمان در خارج از کشورهای عضو، با هدف حفظ کرامت، هویت فرهنگی و مذهبی خود، از جمله آرمان‌های اساسی تأسیس این سازمان معرفی شده است. (OIC Charter, 2008). منشور این سازمان خواستار حمایت از مسلمانان در کشورهای غیر عضو بوده است و از کشورهای غیراسلامی می‌خواهد حقوق دینی، مذهبی و اجتماعی مسلمانان را رعایت نمایند. با این وجود، متأسفانه سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و کشورها به مسئولیت ذاتی خود برای مقابله با سیاست‌های میانمار در پاکسازی قومی مسلمانان روهینگیا عمل نکرده‌اند.

جمع‌بندی و پیشنهاد‌های رسانه‌ای

بر خلاف آنچه دولت میانمار ادعا می‌کند روهینگیاها ساکنان بومی ایالت تاریخی آراکان که از سوی دولت راخین نامیده می‌شود، می‌باشند. شناخت تاریخی آنها در تبیین حقوقی وضعیتی که آنها امروز با آن مواجه هستند اهمیت فراوانی دارد. با توجه به قواعد حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بین‌الملل کیفری و همچنین بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، شواهدی از وقوع جنایت علیه بشریت و ارتکاب به نسل‌کشی در خصوص اقلیت مسلمان میانمار وجود دارد که بسیاری از سازمان‌های مدافع حقوق بشر، نهادهای سازمان ملل و دادگاه بین‌المللی دائمی مردم بر آن اذعان کرده‌اند. نقض آن دسته از قواعد آمره بین‌المللی که موجبات مسئولیت کیفری فردی را برای فاعل آن فراهم می‌آورد، جنایت بین‌المللی تلقی می‌شود و زمینه‌ساز مسئولیت دولت خواهد بود. بر این

اساس و به موجب طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، مسئولیت دولت میانمار در برابر این جنایات بین‌المللی، امری آشکار است.

سازمان ملل متحد، به‌ویژه شورای امنیت که وظیفه خطیر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد بر اساس منشور این سازمان باید، به وظیفه خود درباره این جنایات عمل کند. شورای امنیت، می‌تواند بحران میانمار را به عنوان وضعیت تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی شناسایی کند و در قالب مکانیسم ماده ۱۳، بررسی آن را به دیوان بین‌المللی کیفری، ارجاع دهد.

نهادهای بین‌المللی و کشورها نیز در قبال حمایت از مسلمانان روهینگیا مسئولیت دارند زیرا جامعه بین‌المللی در برابر وقوع جنایات بین‌المللی، مسئولیت رعایت و تضمین رعایت دول دیگر را بر عهده دارد. از منظر دکترین مسئولیت حمایت، حاکمیت یک دولت با مسئولیت آن نیز توأم است و اگر دولتی از عهده مسئولیت حمایت از شهروندان خود بر نیاید، مسئولیت جامعه بین‌المللی در پشتیبانی از حقوق افراد مزبور مطرح می‌شود.

سازمان همکاری‌های اسلامی نیز وظیفه خطیری در حمایت از حقوق انسانی مسلمانان دارند. کمک به اقلیت‌ها و جوامع مسلمان در خارج از کشورهای عضو، برای حفظ کرامت و هویت فرهنگی و مذهبی خود، از جمله آرمان‌های اساسی در تاسیس سازمان همکاری‌های اسلامی است که در مقدمه منشور این سازمان به آن اشاره شده است.

مرور واکنش‌ها به وضعیت فاجعه بار مسلمانان میانمار نشان می‌دهد که نگرش‌های سیاسی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، باعث شد که دولت میانمار در تداوم جنایت علیه روهینگیا، مصمم باشد. دلیل اصلی سکوت مجامع جهانی و کشورهای بزرگ و رسانه‌های آنها منافی است که در پشت سر کشتار و اخراج روهینگیانها نهفته است. در این خصوص می‌توان به منافع شرکت‌های چند ملیتی سرمایه‌گذار در میانمار، رقابت‌های چین و آمریکا بر سر تسلط و نفوذ بر میانمار، وجود فضای جهانی اسلام‌هراسی در جهان امروز اشاره

کرد. در چنین شرایطی تبیین رسانه‌ای موضوع بویژه با استفاده از ابزارهای حقوقی بین‌المللی اهمیت فراوانی در حساس کردن افکار عمومی جهان به این موضوع دارد که به تعدادی از آنها اشاره می‌گردد:

- تولید برنامه‌های کارشناسی محور برای تبیین ابعاد مختلف نقض حقوق بین‌الملل بشر مسلمانان روهینگی‌ها در میانمار با استفاده از کارشناسان برجسته حقوق بین‌الملل
- تبیین رویکرد سیاسی شورای امنیت به تحولات میانمار و انتقاد از فقدان رویکرد حقوقی در تصمیمات شورای امنیت
- تاکید بر لزوم ارسال پرونده مسئولان جنایات میانمار به دیوان بین‌المللی کیفری و مقایسه تطبیقی جنایات علیه مسلمانان روهینگی‌ها با آن دسته از جنایات بین‌المللی دیگر که پرونده آنها در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح شده است.
- انعکاس مناسب گزارش‌ها، بیانیه‌ها و مواضع نهادهای بین‌المللی حقوقی و حقوق بشری درباره وضعیت مسلمانان روهینگی‌ها
- تولید گزارش ویژه از رای «دادگاه بین‌المللی دائمی مردم» در ایتالیا که متشکل از حقوقدانان برجسته است و در حکمی دولت میانمار را در قتل عام مسلمانان روهینگی‌ها گناهکار شناخته است.
- به کرات نقض قواعد آمره، تعهدات عام‌الشمول و قواعد عرفی بین‌المللی در زمینه حقوق بشر از سوی دولت میانمار و از زبان کارشناسان طرح گردد.
- به مغایرت خشونت و نژادپرستی در میانمار علیه مسلمانان روهینگی‌ها با آموزه‌های دین بودیسم پرداخته شود.
- مشکل مسلمانان روهینگی‌ها ابهام‌آفرینی دولت میانمار درباره ملیت آنهاست. مطابق موازین حقوق بین‌الملل، داشتن ملیت حق مسلم و طبیعی هر فردی است که در یک

کشور زندگی می‌کند. اهمیت دارد رسانه‌های برون‌مرزی این موضوع را در چارچوب اسناد حقوق بین‌الملل درباره تابعیت، سلب تابعیت و بی‌تابعیتی تبیین نمایند.

- در اخبار و برنامه‌ها در کنار نام ایالت راخین به نام تاریخی آن یعنی آراکان نیز اشاره شود.

- با توجه به ادعای دولت میانمار مبنی بر اینکه روهینگیاها بنگلادشی هستند و باید به این کشور بروند، اهمیت دارد برای تبیین حضور تاریخی مسلمانان روهینگیا در آراکان، برنامه‌سازی شود. معرفی مساجد، مدارس دینی، سکه‌ها و ساختمان‌های تاریخی دوران قدرت مسلمانان در آراکان در این روند سودمند خواهد بود.

- انتظارات افکار عمومی در جهان از نهادهای بین‌المللی حافظ صلح، شورای حقوق بشر سازمان ملل، شورای امنیت، سازمان همکاری اسلامی، مجامعی همچون اتحادیه جنوب شرق آسیا. آن مبنی بر اینکه آنها باید به وظایف ذاتی خود در جلوگیری از نسل‌کشی مسلمانان روهینگیا عمل کنند، تبیین شود.

- این واقعیت که رسانه‌های بین‌المللی عمدتاً تحت تاثیر تسلط قدرت‌های بزرگ غربی هستند و در میانمار به دنبال منافع خاص خود هستند یکی از دلایل اصلی تشدید بحران قومی روهینگیاها است. بر این اساس اهمیت دارد رسانه‌های برون‌مرزی ضمن تبیین دلایل سکوت رسانه‌های بین‌المللی درباره تحولات میانمار، پرچم دار راه‌اندازی جریان‌های خبری در این خصوص باشند.

- حرکت‌های سازمان‌های افراطی که به نام اسلام موجب سیاه‌نمایی علیه مسلمانان و بهانه‌جویی بوداییان افراطی برای کشتار و اخراج روهینگیاها از سرزمین اجدادی شان می‌شوند، افشا گردد.

- رسانه‌های برون‌مرزی می‌توانند برنامه‌های افشاگرانه درباره منافع شرکت‌های چند ملیتی سرمایه‌گذار در میانمار و نیاز آنها به از بین بردن خرده مالکی و یکپارچه‌سازی

زمین مزروعی برای تسهیل کشت و صنعت سودمند، تولید و پخش نمایند، تا افکار عمومی را متوجه این واقعیت سازند که بین منافع شرکت‌های چند ملیتی در میانمار و اخراج مسلمانان روهینگی‌ها ارتباطات تنگاتنگی وجود دارد.

- رقابت‌های چین و آمریکا بر سر نفوذ در میانمار و بهره‌برداری دولت ناپییداوا^۱ از این رقابت‌ها در جهت نسل‌کشی و پاکسازی قومی روهینگی‌ها افشا و برجسته‌سازی شود.

- سیاست اصلی دولت و اکثریت قومیت بودایی مذهب در میانمار یکسان‌سازی قومی و مذهبی در میانمار است در این سیاست مسلمانان روهینگی‌ها بنگلادشی تلقی شده‌اند و می‌باید به این کشور بازگردانده شوند. اهمیت دارد رسانه‌های برون‌مرزی ابعاد این سیاست و تعارض آن با حقوق انسانی را تبیین نمایند.

- سیاست ارتش و راهب‌های افراطی بودایی ضد مسلمان این است که مسلمانان یا بودایی شوند و یا کشته و اخراج شوند. مغایرت این سیاست ضد بشری با موازین حقوق بین‌الملل بشر تبلیغ و برجسته‌سازی شود.

- روهینگی‌های آراکان بنگلادشی نیستند و در رسانه‌ها نباید از ملیت میانماری روهینگی‌ها غفلت شود.

- مشکل روهینگی‌ها در میانمار ارتباط تنگاتنگی با تبلیغات مسموم راهب‌های متعصب بودایی دارد. در میانمار قومیت‌های زیادی وجود دارد که با مسلمانان مشکل خاصی ندارند اهمیت دارد این موضوع در رسانه تبیین شود.

^۱ Naypyidaw

منابع

- آقایی، سید داوود (۱۳۷۶)، «بررسی عملکرد شورای امنیت در حل بحران بوسنی و هرزگوین»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دانشگاه تهران، شماره ۳۶.
- باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۶)، فقط ۳۴ درصد نیازهای مالی پناهجویان روئینگیایی تامین شده است، قابل دسترس در: <http://www.yjc.ir/fa/news/6347577>
- پاک آیین، محسن (۱۳۹۲)، *میانمار*، تهران: امیرکبیر.
- پاک آیین، محسن (۱۳۹۱)، «ناگفته‌هایی درباره میانمار»، *ماهنامه موعود*، شماره ۱۳۹ و ۱۴۰.
- جاویدزاده، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «سیاست‌های پیشگیرانه سازمان ملل متحد در قبال نسل‌کشی»، *دو فصلنامه حقوق و سیاست*، سال سیزدهم، شماره ۳۳.
- حسینی اکبرنژاد، هاله (۱۳۸۸)، «جنگ علیه حقوق انسان‌ها به نقض تعهد رعایت حقوق بشر در جنگ ۲۲ روزه غزه»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۰.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۸)، «راهکار تعقیب متهمان به جنایت جنگی در غزه بر اساس گزارش گلدستون»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۱۵.
- فتح‌پور، فاطمه و قلندری، مرضیه (۱۳۹۲)، «بحران میانمار، آزمونی برای شورای امنیت در چارچوب نظم حقوقی بین‌المللی»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، مقاله ۶، دوره ۱۲، شماره ۲۳.
- عزیزی، ستار و حاجی، محمد (۱۳۹۵)، «احراز مسئولیت دولت در خصوص ارتکاب ژنوسید، در تقابل یا تعامل با روند عدالت انتقالی»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه حقوق شیراز*، دوره هشتم، شماره دوم.
- کریانگ، ساک کیتی شیایزری (۱۳۸۳)، *حقوق بین‌الملل کیفری*، (ترجمه: یوسفیان، بهنام، اسماعیلی، محمد) تهران: انتشارات سمت، صص ۱۳۷ - ۱۴۲.

- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۳)، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه
مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران، نشر میزان.

- مولودی پور، کمال (۲۰۱۶)، میانمار کجا است؟ چگونه مسلمان شدند؟ چرا قتل عام
می‌شوند؟ قابل دسترسی در:

<http://eslahe.com/>

- وکیل، امیرساعد (۱۳۸۸)، «ترغیب و تشویق دولت‌ها به رعایت حقوق بنیادین بشر و
بشر دوستانه»، تهران: رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.

منابع انگلیسی

- **Amnesty International** (20 December 2016), Myanmar: "We are at breaking point" - Rohingya: persecuted in Myanmar, neglected in Bangladesh", available to: <https://www.amnesty.org/en/documents/asa16/5362/2016/en>
- **A/HRC/28/72** (13 March 2015), Addendum ° Observations of the Permanent Mission of the Republic of the Union of Myanmar in Geneva on the report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in Myanmar to the 28th Session of the Human Rights Council", Available at: <http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session28/Pages/28RegularSession.aspx>
- **A/HRC/32/18**, (28 June 2016), Situation of human rights of Rohingya Muslims and other minorities in Myanmar, Human Rights Council Thirty-second session, Available at : www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/.../A_HRC_32_18_AEV.docx
- **Anadolu Agency** (22/09/2017), Int'l tribunal finds Myanmar guilty of 'genocide"', Available to: <http://aa.com.tr/en/asia-pacific/intl-tribunal-finds-myanmar-guilty-of-genocide/916902>
- **Barcelena traction, light and powercompany, Limited, second phase, Judgment, I.C.J Reports** (1970), p. 32, para. 33
- **Constitution of the Republic of the Union of Myanmar** (2008), Citizen, Fundamental Rights and Duties of the Citizen, chapter8, p149,

- available to: http://www.burmalibrary.org/docs5/Myanmar_Constitution-2008-en.pdf
- **Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide** (1948), Approved and proposed for signature and ratification or accession by General Assembly resolution 260 A (III) of 9 December 1948, Entry into force: 12 January 1951, in accordance with article XIII, Available at: <http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CrimeOfGenocide.aspx>
- x
- **CRC/C/MMR/CO/3-4** (14 March 2012), Consideration of reports submitted by States parties under article 44 of the Conventio, paras. 96° 97,
- **Convention on the Rights of the Child** (1989), Convention on the Rights of the Child Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989 entry into force 2 September 1990, in accordance with article 49, Available at: <http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx>
- **convention sur l'élimination de toutes les formes de discrimination à l'égard des femmes** (18 decembre 1979), Available at: <http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/text/fconvention.htm>
- **C4ADS** (February 5, 2016), Sticks and Stones: Hate Speech Narratives and Facilitators in Myanmar, Available at: <http://www.burmapartnership.org/2016/02/sticks-and-stones-hate-speech-narratives-and-facilitators-in-myanmar/>
- Chan, Aye (2005), The Development of a Muslim Enclave in Arakan (Rakhine) State of Burma (Myanmar), **SOAS Bulletin of Burma Research**, Vol. 3, No. 2, Autumn 2005, ISSN 1479-8484
- **Human Rights watch** (2016), Crimes Against Humanity and Ethnic Cleansing of Rohingya Muslims in Burma "Arakan State", available to: <https://www.hrw.org/report/2013/04/22/all-you-can-do-pray/crimes-against-humanity-and-ethnic-cleansing-rohingya-muslims>
- **Human Rights watch** (2017/02/06), Burma: Security Forces Raped Rohingya Women, Girls, available to: <https://www.hrw.org/news/2017/02/06/burma-security-forces-raped-rohingya-women-girls>

- **Human Rights watch** (2017/09/06), Burma sRohingya Need the World s Attention, available to: <https://www.hrw.org/news/2017/09/06/burmas-rohingya-need-worlds-attention>
- **Human Rights watch** (2017/09/27), The Burmese Military is Committing Crimes Against Humanity, available to: <https://www.hrw.org/topic/womens-rights/sexual-violence-and-rape>
- **Human Rights watch** (2016/06/30/), UN Human Rights Council: High Commissioner reports on human rights of Rohingya Muslims and other minorities in Burma/Myanmar and on Sri Lanka, available to: <https://www.hrw.org/news/2016/06/30/un-human-rights-council-high-commissioners-reports-human-rights-rohingya-muslims-and>
- **Human Rights watch** (2013/04/22), All You Can Do is Pray
- **Human Rights watch** (2017/09/25), "Burma: Military Commits Crimes Against Humanity", available to: <https://www.hrw.org/news/2017/09/25/burma-military-commits-crimes-against-humanity>
- Human Rights committee, General comment No. 6= article 6 (Right to life), 1982, paras. 1-2, Available at : <http://hrlibrary.umn.edu/peace/docs/hrcom6.htm>
- **OHCHR** (21 January 2015), Comment by UN High Commissioner for Human Rights Zeid Ra ad Al Hussein on the abuse of the Special Rapporteur on human rights in Myanmar, Yanghee Lee
- **OIC Charter** (2014/03/24), "Charter of the Organization of Islamic Cooperation", available to: <http://www.oic-oci.org/is11/english/charter-en.pdf>.
- **OHCHR** (3 February 2017), Report of OHCHR mission to Bangladesh Interviews with Rohingyas fleeing from Myanmar since 9 October 2016., p20-21.
- **OHCHR** (20 June 2016), Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights and reports of the Office of the High Commissioner and the Secretary-General, Human Rights Council, Thirty-second session, Agenda item 2.pp8-12.
- **Resolution 1564** (2004), Adopted by the Security Council at its 5040th meeting, on 18 September 2004
- **Resolution 1593** (2005), Adopted by the Security Council at its 5158th meeting, on 31 March 2005

- **Resolution 1970** (2011), Adopted by the Security Council at its 6491st meeting, on 26 February 2011
- **Resolution 1325** (2000), Adopted by the Security Council at its 4213th meeting, on 31 October 2000, Available at: https://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1325%282000%29
- **Rome statute of the international criminal court** (1998) Available at: http://legal.un.org/icc/statute/99_corr/cstatute.htm
- **The correspondent** (25/02/2016), Meet the most persecuted people in the world, available to: <https://thecorrespondent.com/4087/meet-the-most-persecuted-people-in-the-world/293299468-71e6cf33>
- **UNODC** (February 2016), Drugs and Crime, Protecting peace and prosperity in Southeast Asia: synchronizing economic and security agendas, February 2016, pp. 37-41).
- Warren, Alan, (December 2011), **Burma 1942: The Road from Rangoon to Mandalay**, Bloomsbury Publishing